

تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی در بزهکاری کودکان از ۱۰-۱۲ سالگی

فاطمه چنانی^۱، مهین غبیش زاده^۲، شقایق خضیری عفراوی^۳، زهرا صالحی پویا^۴

^۱ دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه های فرهنگیان استان خوزستان.

^۲ دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان اهواز، پردیس فاطمه الزهرا س

^۳ دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان اهواز، پردیس فاطمه الزهرا س

^۴ دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان اهواز، پردیس فاطمه الزهرا س

چکیده

بزهکاری آری این واژه‌ی عجیب در زمان کنونی در جهان فراگیر شده، و در ابعاد و سنین مختلف دامن‌گیر همگان شده است. اهمیت دادن به مسئله‌ی بزهکاری به قدری مهم است که همه‌ی کشورهای جهان به آن توجهی خاص دارند. به نظر شما این واژه چگونه در جهان و خصوصا در سنین مهم زندگی دانش‌آموز ۱۰-۱۲ شیوع پیدا کرده است؟ اساسا چه عواملی منجر به پیدایش و فراگیر شدن آن در جهان شده است؟ و چگونه و با چه راه‌حل‌ها (راهکارهایی) می‌توان بر آن غلبه کرد؟ در مقاله‌ی حاضر در ابتدا به تعریف و ریشه‌یابی و اهمیت بزه و بزهکاری در این سنین (۱۰-۱۲) می‌پردازیم، سپس عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر گسترش بزهکاری و چگونگی تاثیر آنها و راهکارهای موثر برای برون رفت از آن را شرح می‌دهیم. همچنین در عوامل اجتماعی و اقتصادی متغیرهای محل سکونت، نوع منزل مسکونی، دوست‌بزهکار، همنشینی با دوستان بزهکار، سابقه حکومت کیفری در خانواده، نظارت والدین و جامعه بر کودک، امر به معروف و نهی از منکر بر بزهکاری کودکان در این رده‌ی سنی موثر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: بزه، بزهکاری، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، راهکارها

مقدمه

بزهکار به کسی گفته می‌شود، که متهم به ارتکاب رفتار ضد اجتماعی و قانون شکنی است، اما چون به سن قانونی ۱۸ سال نرسیده است، مانند یک مجرم مجازات نخواهد شد. اهمیت بررسی عوامل منجر به بزهکاری در سنین پایین این می‌باشد. که بزهکاری به اصطلاح مقدمه جنایتکاری است، ما اگر عوامل منجر به بزه را شناسایی کنیم، به کمک این شناخت خواهیم توانست که از این عوامل جلوگیری کرده و از وقوع جرم و جنایت در آینده جلوگیری کنیم. این کار مصداق جمله معروف به پیشگیری بهتر از درمان است، می‌باشد. به اختصار می‌توان گفت برای بررسی عوامل بزهکاری در سنین ۱۰ تا ۱۲ سال می‌بایست به سراغ مولفه‌ها و متغیرهای شخصی خانوادگی و طبقه‌ی اجتماعی افراد رفت تا به شناخت و معرفت مطلوبی در این زمینه رسید.

در عصر حاضر، بزهکاری در ابعاد و سنین مختلفی گسترش پیدا کرده است و روند افزایشی خطرناکی به خود گرفته است. افزایش و گسترش این روند توجه محققان و کارشناسان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی را به خود جلب کرده است. بنا به تحقیقات انجام شده اکثر بزهکاران نوجوان در اجتماع از اقلیت محروم هستند. عوامل اصلی شناخته شده در بزهکاری درآمد ناکافی و عدم تامین نیازهای مادی و عاطفی خانواده، برای کودک و نوجوان خود صرفاً افراد کم درآمد بزهکار نیستند. گاهی ثروت و تن‌پروری می‌تواند عامل اصلی در بزهکاری اطفال باشد. اعمال بزهکارانه در کودکی و نوجوانی می‌تواند زمینه‌ساز اعمال و رفتار مجرمانه و خطرناک در جوانی و بزرگسالی شود. هدف ما در نوشتن این مقاله این است که ما به عنوان معلم نوپا با بررسی عوامل و علل بزهکاری و شناخت ویژگی‌های کودک و نوجوان بزهکار با این افراد آشنا شده و متناسب با روحیات و اخلاقیات و خانواده آن فرد بزهکار بتوانیم راه کار و راه‌حلی برای مشکل آن پیدا کرده و آن را از وضع نابسامان موجود نجات داده. ما در این مقاله سعی بر این داریم که با استفاده از روش‌های مختلف تحقیق مانند کتاب، سایت‌های اینترنتی، مصاحبه و...، علل به وجود آمدن این آسیب را بررسی کنیم و راه‌حلهایی برا برون رفت از این وضعیت ارائه دهیم.

بزهکاری

تعریف بزهکاری در جرم‌شناسی پدیده‌های بزه، بزهکار و بزهکاری به عنوان سه رکن اصلی در نظر گرفته می‌شود. هر عملی که در جامعه قوانین را نقض کند و مجازات در پی داشته باشد، «بزه» نامیده می‌شود. هر جرمی که اتفاق می‌افتد، دارای علل سازنده‌ای است که بر روی فرد اثر می‌گذارد و او را به سوی ناسازگاری و نابهنجاری سوق می‌دهد. از دیدگاه روان‌شناسی، بزهکار در گروه افراد ناسازگار اجتماعی جای دارد و در نگاه حقوقی بزهکار کسی است، که به مخالفت با قوانین تعیین شده جامعه پرداخته و دست به اعمال خلاف قانون زده است.

بزهکاری مجموعه‌ای از جرایمی است، که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد. بزهکاری پدیده‌ای است، که بدون توجه به بزهکار، می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد. و تراکم جرم، اهمیت گونه‌های مختلف جرایم، تغییرات اجتماعی جرایم را از نظر مکان، زمان، نژاد، مذهب و ... دقیقاً تحقیق کرد. بزهکاری کودکان با اختلال سلوک ارتباط دارد. بزهکاری از دیدگاه قانونی، ارتکاب اعمالی است که از طرف قانون برای آن‌ها مجازات تعیین شده است. تفاوت بزهکاری کودکان و نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان در این است که کودکان به این خاطر که زیر سن قانونی هستند، مجازات نمی‌شوند و به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می‌شوند.

تاریخچه واکنش اجتماعی در مقابل اطفال و نوجوانان بزهکار

در کشور ما تا قبل از تشکیل دادگاه‌های اطفال مرجع قضایی واحد و صلاحیت‌داری برای رسیدگی به بزهکاری اطفال پیش-بینی نشده بود، تصویب این قانون دادگاه ویژه اطفال تشکیل شد. متأسفانه با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، حسب روی وحدت رویه قضایی شماره ۶-۲۳/۶۴/۲، دادگاه ویژه اطفال از نظام قضایی حذف و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان بر حسب نوع و شدت جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ قرار گرفت. از نظر تاریخی به نظر می‌رسد که اقدامات مقابله‌ای با بزهکاری اطفال و نوجوانان و در عین حال ریشه‌یابی آن خیلی دیر انجام شده و این موضوع از جمله مسائلی است که نهایتاً به یک یا دو قرن پیش باز می‌گردد. (پاک نهاد، ۶۳/۱۳۸۵)

خصوصیات شخصیتی افراد بزهکار

امروزه بسیاری از مطالعات تجربی نشان می‌دهد، میان بهره هوشی پایین و میزان بالای اقدام به بزهکاری، همبستگی مداوم و پایداری وجود دارد. در میان کودکانی که کمی پس از تولد به فرزند خواندگی پذیرفته شده‌اند، بزهکاری و جرایم در بزرگسالی بیشتر به الگوی رفتار والدین اصلی آنان نزدیک بود تا والدین قیم، شاید این یافته موید این نکته باشد که عوامل ژنتیکی احتمالاً نقش غیرمستقیم در زمینه ارتکاب بزهکاری دارد.

عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان

عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری مؤثر است و تنها نمی‌توان علت خاص و واحدی را برای آن در نظر گرفت. عوامل مختلفی نظیر عوامل محیطی، اقتصادی در کنار هم باعث می‌شوند که بزهکاری در نوجوانان و اطفال به منصف ظهور برسد. ما در این مقاله عوامل اجتماعی، اقتصادی، و خانوادگی را مورد بررسی قرار دادیم.

عوامل اجتماعی مؤثر در بزهکاری کودکان

۱- خانواده

خانواده نخستین عامل تأثیرگذار در رفتار فرد است. اطفال تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود قرار می‌گیرند. چرا که خانواده در حکم کانالی است که طفل از طریق آن با فرهنگ جامعه خود مانوس می‌شود و شخصیت او شکل می‌گیرد. تأثیر خانواده بر رفتار، تفکر و شخصیت طفل از سوی محققین علوم تربیتی به کرات مورد تأیید قرار گرفته است. نظر این محققین ساختار و کیفیت خانواده، تأثیر انکارناپذیری در آینده طفل دارد تا حدی که شالوده و سنگ بنای اخلاقی، روانی، اقتصادی و عاطفی محیط خانواده در صورت نامناسب بودن، ضایعات و خسارات جبران‌ناپذیری بر ساختمان شخصیت طفل وارد آورده و آینده وی را به خطر خواهد انداخت.

بنابراین اگر خانواده به وظایف مادی و معنوی درست عمل کند، کودک ضمن احساس رفع نیازهای طبیعی، به طور مستمر و مداوم، اجتماعی شده و کنش‌ها و واکنش‌های مناسب بروز می‌دهد. اگر والدین نتوانند احتیاجات فطری و طبیعی کودک را برآورده سازند و او را برای زندگی در اجتماع تجهیز نمایند، نمی‌توان انتظار داشت که چنین کودکی توانایی لازم برای انطباق

خود را با ارزش‌ای جامعه داشته باشد (نجفی توانا، ۱۳۸۲: ۷۶) یکی از عوامل بسترساز ناهنجاری و بزهکاری اطفال در محیط خانواده، از هم گسیختگی خانواده است که عواملی موجب این از هم گسیختگی است که در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم:

۲-۱ اختلاف والدین با یکدیگر

اختلاف خانوادگی و ناسازگاری والدین با هم، تأثیر نامطلوبی بر روی طفل گذاشته و غالباً وی را به سوی ارتکاب جرم و یا خودکشی سوق می‌دهد. در خانواده‌ای که تفرقه و جدایی حکومت می‌کند، اگرچه طفل عملاً و در ظاهر امر از کانون خانوادگی طرد نشده است؛ ولی باطناً در اغلب موارد از محبت والدین خود محروم و در نهایت به لحاظ روحی افسرده و بی-حوصله می‌گردد. اگر طفل در کانون خانواده رنگ آرامش، صفا و صمیمیت را نبیند، ناچار است در کوچه و خیابان به جستجوی آن بپردازد. در این حال چه بسا که چنین طفلی به دام شیادان افتاده و از راه راست منحرف گردد. ضمن این که وجود اضطراب، خفقان و خشونت در محیط خانه، فرزندان را نسبت به زندگی بی‌علاقه و بدبین ساخته و زمینه را برای انحرافات فراهم می‌سازد. (شامبیاتی، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

۳-۱ فقدان یا جدایی والدین

درگذشت پدر یا مادر موجب حرمان از سرپرستی و حمایت آنان می‌گردد. فوت والدین به خصوص پدر، اثرات جبران‌ناپذیری بر تربیت اطفال دارد. فقدان پدر، گذشته از ایجاد مشکلات مالی، ضربات سختی بر روح و روان کودک باقی می‌گذارد. مطالعات انجام شده بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم نشان داد که فرزندی که پدر خود را در جنگ از دست داده‌اند، دچار اختلال بیشتری نسبت به فرزندی که دارای پدر بوده‌اند، هستند. ارزش وجودی تأثیر ژرف روانی و تربیتی وی بر طفل، نه تنها از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، بلکه به وسیله اکثر مکاتب اخلاقی و مذهبی به ویژه شرع مقدس اسلام مورد تأیید قرار گرفته است. مهربانی و رأفت با کودکان پدر از دست داده، بارها در آیات مختلف قرآن توصیه و تأکید شده است. جدایی والدین نیز تبعات و آثار منفی مشابه زیادی بر روند رشد جسمی و روحی کودکان دارد که نمونه بارز آن‌ها از دست‌دادن و محرومیت از سرپرستی یکی از والدین و بعضاً هر دوی آن‌هاست. والدین مسئول ایجاد اخلاق حسنه و شکل‌گیری شخصیت کودکان هستند. به عبارت دیگر منش کودک آینه تمام‌نمای روش تربیتی والدین است و سازگاری یا ناسازگاری کودک بستگی مستقیم به تربیت پرورش و زمینه‌سازی پدر و مادر دارد. والدین زمانی در محیط خانوادگی، موفق به ایجاد یک محیط سالم و مناسب خواهند شد که تفاهم و هماهنگی لازم را در اداره کانون خانوادگی و تربیت فرزندان داشته باشند. اگر کانون خانواده به علت اغتشاش، بحث و مجادله خالی از دوستی و صمیمیت باشد، وجود والدین به اندازه فقدان آن‌ها بر روحیه کودک و اخلاق وی لطمه و ضربه وارد می‌کند. (شامبیاتی، ۱۳۹۰: ۲۲۴)

۴-۱ اعتیاد والدین یا اعضاء خانواده

برخورداری والدین از شخصیت متعادل و سالم از ملزومات توفیق آنها در امر تربیت طفل است. والدینی که از چنین شخصیتی برخوردار نیستند، به الگویی نامناسب برای فرزندان تبدیل می‌شوند. مصرف مواد مخدر و الکل، از جمله عوامل خطرناکی است که به شدت تربیت اطفال را دچار مشکل و اطفال را در نهایت موجب انحراف و ناپهنجاری خواهد کرد. تحقیقات متعددی در این زمینه نشان داده است که والدین دارای اعتیاد، الگویی برای اعتیاد کودکان به مواد مخدر شده‌اند. (خزائلی، ۱۳۸۸: ۶۰).

تجربه نشان داده است که کودکان وابسته به والدین معتاد (بچه های اعتیاد)، کودکانی هستند که در محیط پرورشی خود با پدر یا مادر یا یکی از اعضای معتاد خانواده همزیستی دارند. این کودکان لزوماً مجرم یا معتاد نیستند، بلکه در دایره ای بیمار و ناهنجار گرفتار آمده و در آن نشوونما می یابند.

اولیای معتاد در شرایط نشنگی بسیار بخشنده مهربان و ایثارگر بوده، ولی در حالت خماری، سرشار از خشم و غضب می شوند و یا در کمال بی تفاوتی و بی حوصلگی نسبت به نزدیکان و وقایع اطراف خود، کمترین احساس و یا واکنشی نشان نمی دهند. بروز این تغییرات رفتاری در اولیای معتاد، نخستین عامل گرایش به مواد مخدر در بچه های اعتیاد است؛ زیرا کودک به تجربه در می یابد که سرپرست او بعد از استعمال مواد، دارای رفتاری عاطفی و سرشار از مهر و محبت می شود و او ناتوان از تشخیص این مطلب که ابراز احساسات در شرایط نشنگی، حالت موقت و کاذب دارد، در ذهن خود، بین خوبی و مهرورزی و استعمال مواد نوعی رابطه مستقیم و لازم و ملزوم برقرار می کند.

۲. مدرسه و گروه دوستان (همسالان و غیرهمسالان)

محیط آموزشی در تکوین شخصیت کودکان حائز اهمیت فراوانی است؛ زیرا مدرسه به مثابه اولین محیط خارج از خانه و معلم به عنوان اولین فرد بیگانه اثر تربیتی و پرورشی فراوان بر طفل دارند. اگر محیط آموزشی و شخص معلم وظایف خود را درست ایفا کنند، نه تنها زمینه جهت گیری مثبت در طفل فراهم می شود، بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و دوستان نیز خنثی و بلااثر می گردد. آمارها نشان می دهد که درصد بالایی از جوانان بزهکار، سابقه ترک تحصیل داشته اند. گذشته از سوادآموزی، تربیت و پرورش شخصیتی اطفال نیز به صورت قهری به معلمان محول می گردد. (گلاسر، ۱۳۸۴: ۱۵۲)

آموزش اطفال مبتنی بر اعمال روش های معین بر اجتماعی کردن نسل جوان است. محیط آموزشی به مثابه یک واحد کنترل اجتماعی می تواند. با تکیه بر اصل تشویق و تنبیه به کودکان بیاموزد، تا با استفاده از استعداد های خود در یک رقابت سالم و سازنده، وظایف آموزشی را به نحو احسن انجام تا ضمن پیمودن مدارج ترقی، امتیازات اجتماعی و خانوادگی تحصیل کنند. فرآیند چنین امری، نظم پذیری و اجتماعی شدن تدریجی و در نهایت تکامل و تکوین شخصیت فردی و اجتماعی طفل خواهد بود. درحالی که تحقیقات صورت گرفته در مناطق حاشیه نشین نشان می دهد که واکنش های فیزیکی، لحن خشن سخن گفتن، تحقیر کردن دانش آموز، عدم ارائه کامل مطالب درسی، حضور نیافتن به موقع در کلاس ها؛ از جمله مسائلی است که باعث افت تحصیلی، فرار از مدرسه، عدم اعتماد به نفس، تزلزل در شکل گیری شخصیت اطفال، تشکیل گروه های غیراجتماعی، واکنش نامعقول والدین و پنهان ماندن استعدادهای بالقوه برخی اطفال است. (مهاجرین، همان: ۹۹) اطفال تمایل دارند، در تمام امور خود، به صورت دسته جمعی اقدام کنند. این معمولاً موضوع صرفاً مربوط به بازی یا تفریح کودکان نیست، بلکه طفل در جمع بودن و داشتن حمایت دیگران را برای خود امری ضروری می داند. مطالعات نشان می دهند که در جوامع صنعتی به دلیل کمبود روابط عاطفی با والدین و نیاز شدید اطفال به ارتباط و محبت، تمایل به تشکیل گروه و انجام بازی ها و برنامه ها با جمع دوستان بسیار چشمگیر است. ارتکاب جرم و اعمال خلاف نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در ایران نیز بزهکاری اطفال، حائز خصیصه گروهی شده است و دلایل بارز آن نیز ارتباط تنگاتنگ این عارضه با گسترش صنعت، مادی گرایی جوامع و تقلیل روابط خانوادگی و انسانی، اخلاق گریزی و فقدان امکانات تفریحی و ورزشی مناسب و افزایش مجموعه های مسکونی و آپارتمانی هستند. جرائم جوانان به صورت گروهی در ایران بیشتر متوجه اموال به ویژه

سرقت از مغازه‌ها، اتومبیل، وسایل یدکی و یا دعوای دسته جمعی، تخریب اموال عمومی و جرائم منکراتی می‌شود. فرد در جمع احساس شهامت، قدرت و بودن یا وجود می‌کند. خود را قادر به انجام اموری می‌بیند که در تنهایی هرگز امکان آن برایش فراهم نیست. (گلاسر، همان: ۱۱۲) از جمله اعضای گروه، همسالان هستند. آنان بدون این که بخواهند برخی از رفتارهای طفل را تقویت نموده، الگوهایی برای تقلید و همانندسازی او می‌شوند و در نتیجه سبب تغییر و تعدیل رفتارهای کودک می‌گردند. تأثیر همسالان در رشد شخصیت و رفتار طفل پس از تأثیر والدین، مقام دوم را دارد. همسالان با سرمشق شدن برای یکدیگر، تقویت یا تنبیه رفتار و تفسیر رفتار در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. گروه همسالان مهارت‌های اجتماعی مهم را طوری به یکدیگر می‌آموزند، که بزرگسالان قادر به انجام آن نیستند. (خزائی، ۳۹: ۱۳۸۸)

بدین ترتیب با توجه به یافته‌ها پیشنهادها زیر ارائه می‌شود.

- اهتمام جدی دولت به منظور حمایت و تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های آسیب‌پذیر و تدوین قوانین لازم در جهت حفظ نظام خانواده و جلوگیری از نابسامانی و از هم گسیختگی آن.
- سعی و تلاش مسئولان و دست‌اندرکاران نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه‌های جمعی، به ویژه رادیو و تلویزیون، جهت ارائه خدمات آموزشی مناسب، فرهنگسازی
- آگاهی دادن به والدین به منظور جلوگیری از درگیری، کشمکش‌ها، طلاق، اعتیاد و . . . به دلیل اثرات سوء آن بر نوجوانان و جوانان.
- توجه جدی والدین در جهت تقویت روابط دوستانه، محبت‌آمیز و به دور از تبعیض با فرزندان؛ این امر کانون خانواده را به محیطی آرام و سرشار از مهر و محبت تبدیل کرده و نقش بسزایی در افزایش احساس تعلق و دل بستگی نسبت به خانواده دارد. همچنین از گرفتار شدن این گونه فرزندان در دامان دوستان ناباب و بزهکار جلوگیری کرده و سرانجام ارتکاب رفتار بزهکارانه آنان را به حداقل ممکن می‌رساند.
- ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری رایگان به نوجوانان و جوانان آسیب‌دیده و در معرض آسیب و همچنین برقراری ارتباط منطقی و متعهدانه با خانواده آنان، به منظور شناسایی و اقدام در جهت خشکانیدن ریشه‌های آسیب‌ها و نابسامانی‌های خانواده.
- آموزش والدین به منظور جامعه‌پذیری صحیح فرزندان در مواجهه با موقعیت‌های بحرانی و دشوار زندگی، وظایف، مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری صحیح آنان نظارت و کنترل صحیح و منطقی والدین بر رفت و آمد و معاشرت فرزندان با سایر افراد و اطلاع یافتن از این که دارای چه دوستان و هم‌سالانی هستند.

عوامل خانوادگی موثر در بزهکاری کودکان

- **تبعیض:** تبعیض در خانواده و توجه بیشتر والدین به فرزندان و توجه کمتر نسبت به برخی دیگر، سبب ایجاد عقده کمبود و احساس نفرت و بدبینی در کودک می‌شود.
- **خشونت:** برخی روان‌شناسان معتقدند که ریشه اصلی جنایات و خشونت‌ها در جامعه اعمال خشونت و تنبیه‌های بدنی است که باعث ایجاد عقده‌های روانی در آنان می‌شود.
- **سن والدین:** بالا بودن سن والدین و عدم انطباق آنان با کودک و نوجوانان و نادیده گرفته شدن نیازها و تمایلات آنها می‌تواند از عوامل بزهکاری باشد.

- **عقب ماندگی و بی سوادی والدین:** خانواده‌هایی که با زمان پیش نمی‌روند و سطح فرهنگ و آگاهی آنان نسبت به مسائل پرورشی و علمی پایین است فرزند آنان نیز با راه و رسم قدیمی و کهنه زندگی را ادامه می‌دهند و ناسازگاری روانی فرزندان با جامعه را فراهم می‌آورد. کودک و خانواده باید فعالانه در امور اجتماعی سهیم باشند.
- **یتیمی:** مرگ پدر یا مادر یکی از مهمترین علل ناکامی، ولگردی، عقب‌افتادگی در مدرسه و اجتماع و ارتکاب بزه و تبهکاری و سایر بیماری‌های روانی است.
- **طلاق و کشمکش:** گسستگی خانواده تأثیری مسلم و قطعی در بروز رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان دارد، جدایی کودک از والدین به خصوص مادر موجب ناتوانی در برقراری رابطه عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می‌شود. طلاق و گسیخته شدن خانواده خیلی بیش از نزاع میان زن و شوهر موجب ناراحتی اطفال و بزهکاری آنان می‌شود و از علل استثنایی ارتکاب جرم به شمار می‌آید.
- **غیبت والدین از خانواده:** وجود والدین در منزل، به خصوص مادر نقش موثری در تربیت عاطفی و روانی کودکان دارد و حضور نداشتن هر یک از آنها باعث ایجاد مشکلات تربیتی و اختلالات عاطفی در کودک می‌شود.
- **انحراف والدین:** انحراف والدین یا یکی از اعضای خانواده و زوال اخلاقی آنان، ارتباط مستقیمی با انحراف کودکان و نوجوانان دارد.

ارزش تربیت خانواده‌ها

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و خط مشی زندگی آینده فرد دارد. واکنش کودک نسبت به محیط خود، تحت تأثیر موازین اجتماعی و فرهنگی گروهی است که در میان آنها بزرگ شده. تمام کسانی که نیازمندی‌های کودک را بر آورده می‌کنند از محبت وی برخوردار شده و به نوعی سرمشقی برای او می‌شوند و در تماس با دیگران است که تقلید، پیروی از جمع و خوب و بد جامعه را می‌آزماید. بعضی از دانشمندان محیط را به دو محیط عام شامل تمام اوضاع و اصول و مقتضیات عمومی و اجتماعی و محیط خاص شامل محدوده فردی و اطرافیان وی مانند مدرسه و محیط کار تقسیم می‌کنند و بی‌سوادی و تهیدستی و از هم پاشیدگی خانواده را از علل مهم انحراف کودکان و نوجوانان می‌دانند. بنابراین خانواده است که می‌تواند تمام ویژگی‌های مثبت و سازنده یا منفی و مخرب در کودکان به وجود آورد و تمام حالات و رفتارهای دوران بلوغ چه اجتماعی و چه ضد اجتماعی ریشه در تجربیات دوران کودکی دارد.

خانواده در عین حال که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است به عنوان یک نیروی ملی شناخته می‌شود که بزرگترین مقام‌ها را در جامعه بشری دارد. چنانچه کودک از خانواده محبت ببیند و به محبت بزرگترها اطمینان داشته باشد به محیط پیرامونش اعتماد کامل خواهد داشت در غیر این صورت همه چیز برای او ناراحت‌کننده و خطرناک خواهد بود و سبب اضطراب او می‌شود. روان‌شناسان بر این باورند، کودکی که از لحاظ عاطفی رشد نیافته، توانایی تحمل رنج و عذاب یا به تعویق انداختن ارضای مستقیم تمایلات خود را ندارد و این محرومیت عاطفی از مهمترین علل بزهکاری است. پاسخگو نبودن به نیازها، نشان دادن بی‌حوصلگی و در ناراحتی نگه داشتن کودکان و نوجوانان، تأثیرهای مخربی در آنان به جای می‌گذارد. هر عاملی که در برابر رشد سالم جسمانی و عاطفی کودک قرار گیرد می‌تواند موجب اختلالات عاطفی شود که همواره ریشه جرم است و به شکل خصومت، نفرت، آزدگی، خرده‌گیری، پرخاش و نابسامانی‌های روانی آشکار می‌شود.

عوامل اقتصادی موثر در بزهکاری کودکان

درباره نقش عوامل اقتصادی در جرایم اطفال تاکنون بحث‌های موافق و مخالف در جرایم و کتب مختلف در گرفته است. ولی یک نکته مسلم است و آن اینکه بدون شک بهبود وضع اقتصادی یک جامعه لزوماً کاهش بزهکاری اطفال و نوجوانان را در بر ندارد. بلکه برعکس در پاره‌ای موارد آمار نشان داده است. که یک زندگی مرفه و خوب به خودی خود می‌تواند، منبع بسیاری از مسائل مربوط به نوجوانان و اطفال باشد. شاید این نکته بدین علت است که پاره‌ای از مسائل قدیمی و کهنه خانوادگی و اجتماعی که در حال عادی لاینحل بوده و در زیر نقاب «فقر» پنهان شده‌اند. هنگامی که این نقاب کنار برود چهره عبوس خود، را نشان داده و به وضوح بیشتری خودنمایی می‌کنند. نتیجه هرچه باشد این نکته مسلم است که آن دسته از کشورهایی که از یک زندگی مرفه برخوردارند به هیچ وجه، از طغیان بزهکاری نوجوانان در امان نیستند. (صلاحی، ۱۳۸۴: ۵۵)

• فقر

فقر، یکی از عوامل مهم انحرافات، از جمله دزدی و اخلاقی در مردم به ویژه در کودکان و نوجوانان است. بیشتر محرومیت‌ها و بر آورده نشدن تمایلات که موجب عدم اطمینان اجتماعی می‌شود ناشی از فقر است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بیکاری، کمبود مواد غذایی و پوشاک، بی‌سوادی، عقب‌افتادگی، جهل و خرافات، عدم بهداشت کافی و انواع بیماری‌های روحی و جسمی، حتی در سطح جهانی، جنگ‌ها و خونریزی‌ها ریشه در نیازهای مادی و ترس از فقر دارد.

• مشکلات مالی

فقر و بحران مالی و تبعات آن، نه به عنوان عامل منحصر به فرد، بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل نابهنجاری‌ها و انحرافات بشری است. تأثیر این عامل در اطفال که مراحل رشد جسمی و روانی را می‌گذرانند و شخصیت آنان از ثبات لازم برخوردار نگردیده است، کاملاً واضح و آشکار است. اهمیت این امر در اسلام به حدی است که فقر عامل بسیاری از انحرافات، معرفی شده است. درآمد غیرمکفی، افراد را از جهت تأمین تغذیه مناسب و پوشاک لازم برای طفل دچار مشکل می‌کند. سرپرست خانواده‌های فقیر با اعمال فشار بر اعضای خانواده، سعی در برابری خرج با دخل می‌نمایند که این امر نه تنها در رشد جسمی، بلکه در روحیه و منش کودکان اثر منفی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. در چنین محیط‌های متشنجی به لحاظ تأمین مایحتاج زندگی، اطفال و نوجوانان از زندگی بیزار شده و با ارتکاب جرائم و اعتیاد در گرداب فساد غوطه‌ور می‌گردند (دانش، ۱۳۸۵: ۶) نتایج برخی تحقیقات بیانگر این است که شرایط نامطلوب اقتصادی باعث افزایش جرم و خشونت‌آمیز بودن جرائم در حاشیه شهرها شده است. (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

• مسکن

یکی از نیازهای اولیه هر خانواده است. خانواده بیشتر بزهکاران خردسال در زاغه‌ها یا اتاق‌های مخروبه و کثیف زندگی می‌کنند و شرایط بسیار نامساعد و غیر بهداشتی دارند و همه اعضای خانواده در یک اتاق زندگی می‌کنند. نبود تغذیه و پوشاک کافی و مناسب و... موجب ضعف، عصبانیت و خودخواهی آنان می‌شود و آن‌ها را به سوی بزهکاری می‌کشاند.

تأثیر عامل مسکن بر کودکان از دو جنبه قابل بررسی است.

یک بعد آن منطقه‌ای است که خانه مسکونی در آن واقع شده و بعد دیگر آن، کیفیت خود محل سکونت است. در هر شهری، مناطق به دلایل مختلف به قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شوند، که مرفهین در قسمت‌های گران‌تر و افراد کم بضاعت در مناطق ارزان‌تر و شلوغ‌تر سکونت می‌کنند. در فضای سبز و امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی کمتر و ناسازگاری قسمت‌های اخیر معمولاً و بزهکاری بیشتر است. بدیهی است که صرف سکونت در این مناطق بزهکاری یا ناسازگاری اطفال را به دنبال نخواهد داشت، ولی ارتباط مستمر و زیاد اطفال با یکدیگر، انتقال داده‌های مخرب و خلاف ارزش‌های اجتماعی را آسان می‌سازد. و چون امکانات تفریحی و سرگرمی برای جوانان به نسبت جمعیت کمتر است و والدین نیز به جهت دور بودن محل کارشان کنترل لازم را بر اطفال اعمال نمی‌کنند. در نتیجه کودکان برای پر کردن اوقات بیکاری به دور از کنترل والدین پی در پی با یکدیگر در ارتباط‌اند. چگونگی محل سکونت یعنی مساحت و تعداد اتاق‌ها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. محدودیت مساحت، طفل را در معرض خطرات و مشکلات گوناگون قرار می‌دهد. در درجه اول وی شاهد برخوردهای والدین، پرخاشگری‌های آنها و مشکلات و مسائل است که به او ارتباط چندانی ندارد. در درجه دوم به دلیل شلوغی خانه، به ویژه زمانی که تعداد اتاق‌ها کم باشد، امکان استراحت و درس خواندن و انجام تکالیف نخواهد بود. در چنین اماکن مسکونی محدود، کودکان بعد از طی سنین طفولیت و مراحل رشد؛ به ویژه از سنین هفت و هشت‌سالگی به بعد، ناخواسته شاهد روابط خصوصی و جنسی والدین قرار گرفته و در نتیجه ممکن است تحت‌تأثیر آن به مرور به سوی انحراف کشیده شوند. اطفال به اقتضای سن، احتیاج به جنب و جوش و بازی دارند. از لحاظ روان‌شناسی کودک، بازی و ورزش بهترین وسیله خودآزمایی و تمرین مهارت‌های اکتسابی است. فضای محدود خانه (آپارتمان چنین امکانی را فراهم نمی‌کند). (رجبی‌پور، ۱۳۸۲: ۷۷). بنابراین کودکان تمایل فراوان به خروج از آن و پیوستن به همسن و سالان خود دارند. گاهی اوقات والدین نیز برای به دست آوردن آرامش موقتی، آنان را تشویق به بازی به خارج از خانه می‌کنند فرایند این حالت موجب بروز پدیده استعفا والدین از سرپرستی فرزندان شده است.

نتیجه‌گیری

اهمیت دادن به مسئله‌ی بزهکاری به قدری مهم است، که همه‌ی کشورهای جهان به آن توجهی خاص دارند. آمارهای منتشر شده حاکی از آن است که با وجود بهبود وضع زندگی از نظر معیشتی و خدمات بهداشتی در جهان میزان جرایم ارتكابی جوانان با سرعت بیشتری رو به افزایش است و در هر جامعه‌ای نیز نوع آن با جامعه دیگر فرق دارد؛ بزهکاری در اجتماع ابتدا دامن‌گیر گروه سنی نوجوانان و جوانان می‌شود. گروه‌های سنی مذکور به‌موجب آمار منتشر شده از طرف مقامات ذیصلاح بیشترین مرتکبین بزه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. یکی از عامل مؤثر که ممکن است در بزهکاری اطفال و نوجوانان مؤثر واقع شود، عامل اقتصادی است و جرم‌شناسان توجه خاصی بدان مبذول داشته و در اکثر تألیفات از این عامل مطالبی به رشته تحریر درآورده‌اند؛ بنابراین جرم‌شناسان در اصل موضوع که عامل اقتصاد در بزهکاری مؤثر است «اتفاق نظر داشته و اگر اختلافی در پاره‌ای موارد به چشم می‌خورد ناشی از نحوه تأثیر جنبه‌های مختلف این عامل قوی است. نتایج مطالعه حاضر هم حاکی از آن است، که عوامل اقتصادی، باعث افزایش بزهکاری در بین نوجوانان می‌شود. ممکن است وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان ناشی از عوامل اجتماعی باشد. چون در جرم‌شناسی بعضی از عوامل اجتماعی زیر‌عنوان محیط اجتماعی که قسمتی از

عوامل اجتماعی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد، لذا در این خصوص نیز قسمتی از عوامل اجتماعی را تحت همین عنوان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که عوامل اجتماعی باعث افزایش بزهکاری در بین نوجوانان می‌شود، مشکلاتی که دامنه آن در سرتاسر جامعه پهن می‌باشد؛ به عبارت دیگر با افزایش میزان نابسامانی خانواده، بزهکاری نوجوانان نیز شدت می‌یابد. بعد اجتماعی و اقتصادی در کنار هم نشان‌دهنده اهمیت ویژه این دو می‌باشد که عدم شرایط هر یک برای خانواده‌ها مشکلات متعددی از قبل افزایش بزهکاران نوجوان را در جامعه پدید می‌آورد. خانواده از اهم عوامل مؤثر بر جامعه است؛ تا آنجایی که می‌توان گفت؛ هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت برسد مگر آنکه از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد. نتایج این مطالعه هم نشان داد که عوامل خانوادگی بر بزهکاری نوجوانان تأثیر معناداری دارد. همچنین نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که میزان تحصیلات، نظارت خانواده و فضای فرهنگی با بزهکاری نوجوانان رابطه معکوس و معنی‌داری دارند. بدین ترتیب توجه به مقوله تحصیلات و تدریس نوجوانان و نظارت خانواده به رفتارها و معاشرت‌های نوجوانان می‌تواند باعث کاهش بزهکاری در نوجوانان شود و همچنین ایجاد فضای فرهنگی در جامعه و سرگرم شدن نوجوانان با برنامه‌های علمی، فرهنگی باعث کاهش بزهکاری در نوجوانان می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. یرتال جامع علوم انسانی
۲. حسینی‌نژاد، سید مرتضی. (۱۳۸۴). بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از مدل داده‌های تلفیقی: مورد سرقت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۵.
۳. رجبی‌پور، محمود. (۱۳۸۲). راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم (تعامل پلیس و دانش‌آموزان)، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۳.
۴. شامبیانی، هوشنگ. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات پاژنگ.
۵. کتاب اطفال و نوجوانان بزهکار: انتشارات رسا ۱۳۸۳؛ تاج زمان دانش
۶. کتاب بزهکاری اطفال و نوجوانان انتشارات پیام تهران ۱۳۹۸؛ هوشنگ شامبیانی
۷. مقاله تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان از سایت دوفصل نامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی
۸. میلاد جهانی جناقرد تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان ۱۴۰۰.
۹. مهاجرین، رضا. (۱۳۸۷). تأثیر حاشینه‌نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهرها، تهران، انتشارات جنگل.

The Effect of Socioeconomic Factors on Delinquency of Children from 10-12 Years Old

Fatemeh Chenani¹, Mahin Ghabish Zadeh², Shaqayegh Khaderi Afrawi³, Zahra Salehi Pouya⁴

1- Doctor of Persian Language and Literature, Secretary of Education of Shush Secondary School, Lecturer of Farhangian Universities of Khuzestan Province

2- Undergraduate Student of Ahvaz Farhangian University, Fatemeh Zahra Campus

3- Undergraduate Student of Ahvaz Farhangian University, Fatemeh Zahra Campus

4- Undergraduate Student of Ahvaz Farhangian University, Fatemeh Zahra Campus

Abstract

Yes, this strange word has become widespread in the world in the present time, and it has become widespread in different dimensions and ages. It is so important to care about the issue of delinquency that all countries of the world pay special attention to it. In your opinion, how has this term spread in the world, especially in the important ages of student life 10-12? Basically, what factors have led to its emergence and inclusiveness in the world? And how and with what solutions can be overcome. In this paper, we first define and root out the importance of delinquency in these ages (10-12), then we describe the socioeconomic factors affecting the spread of delinquency and how they affect them and the effective ways to get out of it. Also, in socioeconomic factors, variables such as residence, type of residence, delinquent friend, companionship with delinquent friends, history of criminal rule in the family, supervision of parents and society on children, enjoining good and foremanship of evil affect the delinquency of my children in this age group?

Keywords: Delinquency, Delinquency, Social Factors, Economic Factors, Solutions
